

ابوبکر بیهقی و

دلایل النبوه

چکیده: یکی از بخش‌های مهجور مانده در تاریخ نگاری اسلامی، دلایل نگاری است. در این میان، کتاب‌هایی تحت عناوین دلایل النبوه، اعلام النبوه و اثبات النبوه، با محوریت موضوعی معجزات پیامبر (ص)، سعی در اثبات پیامبری ایشان از طریق دلایل و معجزاتشان دارند. کتاب دلایل النبوه و احوال صاحب الشریعه از آثار ابوبکر بیهقی، یکی از آثار مهم در زمینه دلایل نگاری است که به شیوه‌ای روایی و با نقل احادیث مبتنی بر معجزات و دلایل پیامبر (ص)، سعی در اثبات پیامبری حضرت محمد (ص) دارد. نویسنده در مقاله حاضر به معرفی کتاب مذکور همت گمارده است. در این راستا، بعد از معرفی مختصر نویسنده کتاب و آثار وی، محتوا و فصول کتاب را بررسی نموده و با ذکر منابع بیهقی در دلایل النبوه، مقاله خویش را به پایان می‌رساند.

کلیدواژه: ابوبکر بیهقی، تاریخ نگاری اسلامی، دلایل نگاری، کتاب دلایل النبوه و احوال صاحب الشریعه، اثبات پیامبری حضرت محمد (ص)، معرفی کتاب.

مقدمه

در تاریخ نگاری اسلام، با کتاب‌هایی با عناوین دلایل النبوه، اعلام النبوه و اثبات النبوه مواجه می‌شویم که با محوریت موضوعی معجزات پیامبر (ص)، سعی در اثبات پیامبری ایشان از طریق دلایل و معجزاتش دارند. این آثار به تدریج از قرن سوم هجری وارد حوزه تاریخ نویسی شد. به دلیل فضای فکری به وجود آمده در جوامع اسلامی، اخباریان برای پاسخگویی به شبهاتی که درباره پیامبر مطرح

۱. عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

۲. کارشناسی ارشد تاریخ اسلام.

می‌شد، این آثار را به وجود آوردند. می‌توان قرون چهارم و پنجم هجری را اوج دلایل نگاری در زمینه نبوت دانست. نویسندگان و محدثان بزرگی همچون ابوبکر بیهقی، ابونعیم اصفهانی، ابوحاتم رازی، ماوردی و قاضی عبدالجبار همدانی به نوشتن کتاب‌های قابل توجهی در این زمینه همت گماشتند. به طور کلی این آثار از طریق عقلی و یا به روش نقلی، سعی در اثبات پیامبری حضرت محمد (ص) دارند.

دلایل النبوه از آثار مهم در زمینه دلایل نگاری است که به زندگی پیامبر اسلام پرداخته، لابلای بخش‌های مختلف به صورتی برجسته به معجزات ایشان می‌پردازد. بیهقی خود از محدثان بزرگ زمان خویش بوده است و بنابراین به شیوه‌ای روایی و حدیثی کتاب خود را نگاشته است. این مقاله به معرفی و بررسی کتاب دلایل النبوه و احوال صاحب الشریعه اثر مشهور ابوبکر احمد بن حسین بیهقی می‌پردازد.

معرفی نویسنده

ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی خسرو جردی، از محدثان بزرگ، در ۳۸۴ هجری در خسرو جرد نیشابور به دنیا آمد. در اصول پیرو مکتب اشعری و در فروع، شافعی مذهب بود. برای تحصیل علوم و فنون روزگار خویش به ویژه حدیث، به بیهق، نیشابور، عراق، جبال و حجاز رفت. بیهقی در تلاش بود میان تعالیم مذهب شافعی و کلام اشعری، با مکتب اصحاب حدیث پیوندی برقرار کند. اولین کسی بود که موفق به انجام این کار شد.^۳ امام الحرمین جوینی در مورد او می‌گوید: «امام شافعی را بر هر شافعی مذهبی منت است، جز احمد بیهقی که او را به خاطر تألیفات متعددی که در تأیید مذهب شافعی داشته است بر امام شافعی منت است».^۴ در منابع مختلف رجالی، تعداد استادان و شیوخ او را بیش از صد تن بر شمرده‌اند که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به این افراد اشاره کرد: ظفر بن محمد علوی بیهقی، حاکم نیشابوری، ابوبکر بن فورک اصفهانی، ابوالحسن بن بشران،^۵ ابوسعید خرگوشی مؤلف کتاب شرف النبی یا دلایل النبوه^۶ و ابوالحسن محمد بن حسین علوی که بزرگ‌ترین استاد او بوده است.^۷ تألیفات گسترده، انتقال کتب حدیثی پیشین، به صورت ارائه روایات آنها و نقد و ارزیابی احادیث، از او شخصیتی

۳. خلیل بن ابیک صفدی؛ الوافی بالوفیات؛ بیروت؛ دارصادر، ۱۴۱۱، ص ۳۵۴.

۴. میرزا محمد علی مدرس؛ ریحانه الادب؛ ج ۱، تبریز؛ چاپخانه مشفق [بی تا]، ص ۳۰۸. خیرالدین زرنکی؛ الاعلام؛ ج ۱، بیروت؛ دارالعلم الملايين، ۱۹۸۹، ص ۱۱۶. عبدالحی بن عماد حنبلی؛ شذرات الذهب فی اخبار من ذهب؛ ج ۳، بیروت؛ دارالاحیاء التراث العربی، [بی تا]، ص ۳۰۵. احمد بن محمد ابن خلکان؛ وفیات الاعیان و ابناء الانباء الزمان؛ بیروت؛ دارصادر، [بی تا]، ص ۷۶.

۵. احمد پاکتچی؛ ابوبکر بیهقی؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی؛ زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی؛ ج ۱۳، تهران؛ مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۴۷۷.

۶. رسول جعفریان؛ تاریخ سیاسی اسلام؛ تهران؛ دلیل ما، ۱۳۸۵، ص ۶۷.

۷. شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر الاعلام؛ ج ۳، بیروت؛ دارالکتب العربی، ۱۴۱۴، ق، ص ۴۳۹.

بپردازد؛ یعنی صرفاً روایات مختلف را از روایان مختلف ارائه می‌کند. او می‌گوید:

باید دانست احادیثی را که در این کتاب آورده‌ام، تلاش کرده‌ام که صحیح و مورد اعتماد باشد. اگر حدیثی مبهم بوده، آن را رها کرده‌ام؛ هر چند در مورد کارهایی نظیر این کتاب آنها هم مورد قبول واقع می‌شود، اگر اخباری را که ضعیف بوده آورده‌ام به ضعف آن اشاره نموده‌ام و به احادیث دیگر اعتماد کرده‌ام.^{۱۲}

محتوای کتاب

این کتاب به شیوه‌ی روایی، زندگی پیامبر را در ۱۲۲ فصل مطرح می‌کند. عناوین کتاب چنین مواردی را در بر می‌گیرد: در قبول اخبار، در اختلاف احادیث، مجموعه ابواب مولد پیامبر، نام‌ها و کنیه‌های حضرت

محمد، در مورد صفات پیامبر،	در تاریخ نگاری اسلام، با
اخبار مربوط به شمایل پیامبر،	کتاب‌هایی با عناوین دلایل النبوه،
زهد و پارسایی وی، همنشینی با	اعلام النبوه و اثبات النبوه مواجه
فقرا و اهل صفا، مثل پیامبر و مثل	می‌شود که با محوریت موضوعی
امت او، پیشگویی سیف بن ذی	معجزات پیامبر (ص)، سعی در
یزن در باره آینده پیامبر، تجدید	اثبات پیامبری ایشان از طریق
بنای کعبه، بعثت، اسلام آوردن	دلایل و معجزاتش دارند.
اطرافیان پیامبر که به صورت مجزا	
به آنها می‌پردازد، وفات ابوطالب و خدیجه، حدیث اسراء، ازدواج‌های	
پیامبر، جنگ‌های ایشان و ...	

سبب تمایز این کتاب با دیگر نوشته‌ها در زمینه سیره، ذکر معجزات پیامبر به صورتی گسترده است که یا با عناوینی مستقل مانند: اخبار مربوط به لرزه ایوان خسرو نوشیروان و خاموش شدن آتشکده‌ها، شق صدر، درباره مهر نبوت، حفظ الهی از پیامبر، پیشگویی‌های نصرانیان و یهودیان، شق القمر، معراج و... ذکر شده‌اند و یا درون متن و بعد از هر حادثه یا مبحثی، معجزات پیامبر در آن موارد ارائه شده است

بیهقی به عقیده خود، روایات و سندهای صحیح را در کتابش آورده است،^{۱۳} اما در دنبال نمودن معجزات پیامبر، به مواردی برمی‌خوریم که پذیرفتن آنها سخت می‌نماید:

در مورد کودکی پیامبر و شق صدر، از عبدالله بن جعفر بن ابیطالب روایت می‌کند:

«... روزی که او همراه برادر شیرینی خود پشت خیمه‌ها بازی می‌کرد، برادرش ترسان پیش ما آمد و گفت برادر قریشی مرا

۱۲. بیهقی؛ پیشین، ج ۱، ص ۴۶.

۱۳. بیهقی؛ پیشین، ج ۱، ص ۶۸.

ماندگار در حوزه حدیث به وجود آورد.^{۱۴} بیهقی در ۴۵۸ هجری در نیشابور دارفانی را وداع گفت و در بیهق به خاک سپرده شد.^{۱۵}

مهم‌ترین آثار بیهقی که در منابع ذکر شده است، بدین قرار است: سنن الکبیر در ده جلد، سنن والآثار در چهار جلد، الاسماء والصفات در دو جلد، المعتقد، البعث، الترغیب والترهیب، الدعوات، الزهد، الخلافیات در سه جلد، نصوص الشافعی دو جلد، دلایل النبوه در چهار جلد، سنن الصغیر، شعب الایمان در دو جلد، المدخل الی السنن، الآداب، فضائل الاوقات، الاربعین الکبری، الاربعین الصغری، الرؤیه، الإسراء - که در هدیه العارفین با عنوان الاسرار آمده است - مناقب الشافعی، مناقب احمد، فضائل الصحابه، اثبات عذاب قبر، بیان خطاً من اخطأ علی الشافعیین، ترغیب الصلاة، جماع ابواب وجوه قرآن، الاعتقاد والهدایه الی سبیل الرشاد، ماورد فی حیاة الانبیاء بعد وفاتهم، المعرفة، المبسوط فی فروع، محیط يتعلق بعلم الحدیث، معالم السنن فی الحدیث، ینایع الاصول، القدر.^{۱۶}

معرفی کتاب

کتاب دلایل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه، از مهم‌ترین آثار در سیره نبوی و به ویژه دلایل نگاری است. این کتاب در واقع داستان زندگی پیامبر اسلام است؛ داستانی که با ارائه روایات گوناگون از حوادث کوچک و بزرگ زندگی ایشان آغاز و پی‌گیری می‌شود. بیهقی در این اثر، یک اصل مهم را مد نظر دارد و آن، اثبات پیامبری حضرت محمد (ص) با تکیه بر معجزات ایشان است. معجزات و نشانه‌هایی که سرآغاز آن به پیش از تولد وی بازمی‌گردد. او در آغاز کتاب در بیان سبب تألیف می‌گوید: «اراده کردم که به خواست خداوند متعال کتابی درباره برخی از معجزات پیامبرمان و دلایل نبوت او فراهم آورم تا کمکی در راه اثبات رسالت آن حضرت باشد».^{۱۷}

بیهقی از محدثان بزرگ زمان خود بود و در این کتاب نیز به سبکی حدیثی و با ارائه روایات گوناگون، هدف خویش را دنبال می‌کند. او در موارد گوناگون و برای هر حادثه و هر مبحث روایات گوناگونی از روایان مختلف ذکر می‌کند، بدون اینکه به نتیجه‌گیری در این زمینه

۸. احمد پاکتچی؛ پیشین؛ ص ۴۷۷.

۹. عبدالرحمن بن علی بن محمد ابن جوزی؛ المنتظم فی تاریخ الامم والملوک؛ ج ۱۶، بیروت؛ دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق، ص ۹۷. سید محسن امین؛ اعیان الشیعه؛ ج ۲، بیروت؛ دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳، ص ۵۶۸.

۱۰. عبدالکریم سمعانی؛ الانساب؛ ج ۱، بیروت؛ دارالجنان، ۱۴۰۸ق، ۴۳۸. اسماعیل ابن کثیر؛ البدایه والنهایه؛ ج ۱۲، بیروت؛ دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷، ص ۱۰۰. اسماعیل پاشا بغدادی؛ هدیه العارفین؛ ج ۵، بیروت؛ داراحیاء التراث العربی، ۱۹۵۱، ص ۷۸. ابن اثیر جزیری؛ اللباب فی تهذیب الانساب؛ ج ۱، بیروت؛ دارصادر، ۱۴۰۰، ص ۲۰۲. عمر رضا کحاله؛ معجم المؤلفین؛ ج ۲، بیروت؛ داراحیاء التراث العربی، [بی تا]، ص ۲۰۶. زکلی؛ پیشین، ج ۱، ص ۱۱۶. ذهبی؛ پیشین، ج ۳، ص ۴۴۰. صفدی؛ پیشین، ج ۶، ص ۳۵۴. مدرس؛ پیشین، ج ۱، ص ۳۰۸.

۱۱. احمد بن حسین بیهقی؛ دلایل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه؛ ج ۱، بیروت؛ دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵، ص ۶۹.

در کتابش ذکر می‌کند؟ می‌توان اینگونه پاسخ داد که صحیح بودن سلسله سند مهم‌تر از صحیح بودن روایت بوده است؛ زیرا منابعی که بیهقی از آنها استفاده کرده است، معتبر می‌باشند و چنین روایاتی در آنها وجود داشته است. نکته قابل توجه دیگر اینکه بعد از آنکه جایگاه محمد امین به عنوان فرستاده خدا، در جامعه اسلامی مشخص و خاص گردید، گرایش به مقدس مطرح کردن ایشان در میان امت اسلامی و کسانی که موفق به دیدنش نشده بودند، پیداشد. در نتیجه از پیامبر شخصیتی ساختند که متصل به دستگاه الهی است و در کوچک‌ترین موارد، همان‌گونه که در چنین کتاب‌هایی می‌بینیم، رد پای خدا را در زندگانی او می‌توان مشاهده نمود.

مثالی دیگر اینکه در روایت تجدید بنای کعبه از ابن شهاب زهری نقل می‌کند:

ولید بن مغیره نخستین کسی بود که بالای کعبه رفت و شروع به خراب کردن نمود. دیگران هم از او تقلید کردند و تمام کعبه را خراب کردند. چون خواستند ساختمان آن را شروع کنند و کارگران را آماده کار ساختند، هیچ‌کس نتوانست از جایی که ایستاده یک قدم به جلو رود و چنین آورده‌اند که مار بسیار بزرگی را دیدند که به اندازه تمام خانه کعبه چنبر زده است و سر خود را خشمگین روی دم خود نهاده است. این مسئله موجب ترس بیشتر شد و... مغیره بن عبدالله بن عمر بن مخزوم آنها را راهنمایی کرد و ازدهای مذکور از نظرها ناپدید شد. برخی گویند که به آسمان رفت و هم گفته‌اند که پرنده بزرگی آن مار را شکار کرد و در کوه‌های جیاد به زمین افکند...»^{۱۶}

همان‌گونه که اشاره شد، بیهقی یک واقعه یا روایت را از راویان متعدد نقل می‌کند. در بیشتر موارد روایت‌ها بسیار مشابه‌اند و تنها اختلافات جزئی دارند. در پرداختن به موضوعات، تا حدودی طریق اختصار می‌پیماید تا به این ترتیب فرصت کافی برای پرداختن به معجزات داشته باشد. همان‌گونه که در عنوان یکی از فصولش اشاره می‌کند:

مجموعه ابواب جنگ‌های رسول خدا (ص)، چه آنها که خود شرکت فرموده است و چه آنها که شرکت نفرموده، به طریق خلاصه و اختصار، زیرا در این کتاب هدف بیان معجزاتی است که صورت گرفته است و نصرت‌های الهی که برای آن حضرت پیش آمد و اینکه خداوند مسلمانان را یاری فرمود و وعده‌هایی را که داده بود و پیامبر بیان می‌داشت، عملی فرمود»^{۱۷}

و مرد سپیدپوش گرفتند و درازش کردند و شکمش را پیاره ساختند. من و پدرش شتابان به آن طرف دویدیم، محمد را در حالی که رنگش دگرگون شده بود، دیدیم که ایستاده است. پدرش او را در آغوش کشید و پرسید: پسرک عزیزم چه شده است؟ گفت دومرد سپیدپوش آمدند و مرا خوابانیدند و سینه‌ام را شکافتند و چیزی را از آن در آوردند و بیرون انداختند و بعد مرا به حال خود وا گذاشتند....

وقتی حلیمه داستان را برای آمنه، مادر پیامبر، توضیح داد، آمنه در تأیید غیرعادی بودن پیامبرگفت: هنگام بارداری شبی در خواب دیدم که پرتوی از من سرزد که کاخ‌های شام را روشن کرد. هنگام زایمان هم او برخلاف دیگران در حالی که به دست‌های خود تکیه زده بود و سر به سوی آسمان افراشته بود، متولد گردید.

همین داستان را از محمد بن زکریای غلابی هم روایت می‌کند:

و از زیر گلو تا شکم مرا شکافتند. من به کسی که می‌شکافت نگاه می‌کردم و احساس هیچ دردی نداشتم. او دستش را وارد سینه‌ام کرد و احشاء و امعاء مرا بیرون آورد و با برف شست و در جای خود قرار داد. بعد دیگری آمد و به او گفت تو وظیفه خودت را انجام دادی، کنار برو و خودش دست در شکاف سینه‌ام کرد و قلبم را بیرون آورد و آن را شکافت و نقطه سیاهی را که پراز خون بود، از آن جدا کرد و دور انداخت و گفت ای حبیب خدا این سهم شیطان بود و قلبم را با چیزی پیرساخت و با مهری از نور آن را مهور ساخت و سرجایش گذارد. من هنوز سردی و گوارایی آن مهر را در رگ و پوست و مفاصل خود احساس می‌کنم... و مرا همین جا رها کردند و به پرواز درآمدند و وارد آسمان شدند و من به آنها نگاه می‌کردم، اگر می‌خواهی نقطه‌ای را که وارد آسمان شدند به تونشان دهم»^{۱۴}

در ادامه همین روایت و مدت‌ها بعد، زمانی که محمد گم شده بود و عبدالمطلب و دیگر افراد قریش که در جستجوی او بودند، ناگهان از دل آسمان صدایی می‌شنیدیم که می‌گفت ای مردم آرام باشید و زاری نکنید. همانا محمد را پروردگاری است که هرگز او را خوار و گم نمی‌کند. عبدالمطلب گفت: ای سروش غیبی چه کسی ما را به اورهنمونی می‌کند؟ سروش گفت: محمد در صحرای تهامه زیر درخت‌های دست راست نشسته است.^{۱۵}

در مقام انتقاد به چنین شیوه‌ای در کتاب باید گفت بیهقی که سعی در گردآوری روایات صحیح داشته است، چگونه چنین روایاتی را

۱۴. همان، ص ۱۳۵.

۱۵. همان، ص ۱۴۴.

۱۶. همان، ج ۲، ص ۵۹.

۱۷. همان، ج ۳، ص ۵.

منابع بیهقی در دلائل النبوه

بیهقی از منابع متعددی استفاده کرده است که در یک دسته بندی کلی می توان آنها را به منابع سیره ای، کتاب های دلائل و شمائل و منابع تاریخی تقسیم کرد.

منابع سیره ای وی عبارتند از:

۱. عروۃ بن زبیر (م ۹۴): بیهقی در دلائل النبوه ۱۶۰ روایت از عروه، از طرق مختلف نقل کرده است که بخشی از آنها از طریق فرزندش هشام بن عروه است. بخشی از روایات عروه از طریق ابوالاسود بن محمد بن عبدالرحمن (م ۱۳۱) نقل شده است. بیهقی این روایات را از طریق ابن لهیعه از ابوالاسود از عروه نقل کرده است. روایاتی که از عروه آورده بیشتر در وصف پیامبر و تعداد کمی هم در مغازی است و تعدادی هم درباره مسائل بیماری اخیر رسول خدا و وفات ایشان می باشد.^{۱۸}

۲. ابن شهاب زهری (م ۱۲۴): بیهقی نصوص زیادی از او نقل کرده که یا از خودش یا از شیوخش و یا از تابعین مثل سعید بن مسیب و عروه بن زبیر و انس بن مالک نقل شده است. روایات درباره صفت رسول خدا و اخبار مربوط به مبعث می باشد.

۳. موسی بن عقبه (م ۱۴۱): بیهقی حدود ۹۵ روایت کوتاه و بلند از او نقل کرده که موضوعات آن شامل صفت رسول خدا، بنای کعبه و مشارکت رسول خدا در آن، رویدادهای مختلف از بعثت، هجرت نخست به حبشه، در مورد شعب ابی طالب، عقبه اولی و... می باشد. به نظر می رسد در بخش مغازی، یعنی جلد های سوم و چهارم و پنجم روایات بیشتری از او، در حدود ۶۵ روایت آمده است.^{۱۹} در مورد معجزات، دعوت و یا پرسش های یهود هیچ روایتی از او نقل نکرده است. بیشتر روایاتی که بیهقی از موسی بن عقبه نقل کرده، مرسلات و غالب آنها سندش به خود او ختم می شود و برخی هم به زهری می رسد. نکته قابل ذکر دیگر اینکه میان روایات موسی بن عقبه و روایاتی که از ابن لهیعه از ابوالاسود از عروه نقل شده، یک توافق ضمنی وجود دارد. به همین دلیل بیهقی در بسیاری از موارد میان آنها جمع کرده است.

۴. سلیمان بن طرخان تیمی (م ۱۴۳): بیهقی روایات کمی از این طریق دارد.^{۲۰}

۵. ابن اسحاق (م ۱۵۱): او امام المغازی است و تمامی سیره های بعدی متکی به سیره اوست. بیهقی روایات فراوانی از او نقل کرده است. حدود ۳۱۴ روایت از ۳۸۰ روایتی که از او نقل شده از طریق یونس بن بکیر است که نشان می دهد یونس، افزوده هایی بر

سیره ابن اسحاق داشته است.^{۲۱} بیهقی از کسان دیگری هم اخبار سیره را نقل کرده است؛ از جمله: جریر بن حازم ازدی بصری (م ۱۷۰)، زید بن عبدالله بکایی (م ۱۸۳)،^{۲۲} سلمه بن ابرش قاضی ری (م ۱۹۲)، محمد بن سلمه حرانی (م ۱۹۲)، ابراهیم بن سعد زهری (م ۱۸۲). بیهقی در مواردی وجوه اختلاف میان روایات از ابن اسحاق را ارائه می دهد؛ اما در مجموع این اختلافات کم است و این به دلیل اعتمادی است که بیهقی بر روایات یونس به عنوان منبع اصلی مغازی ابن اسحاق می کند و از نقل های دیگر خودداری می کند.

۶. ابومعشر مدنی (م ۱۷۰): بیهقی روایات کمی از او نقل می کند.^{۲۳}

۷. ولید بن مسلم دمشقی (م ۲۰۷): بیهقی از او پانزده روایت نقل کرده است.^{۲۴}

۸. واقدی (م ۲۰۷): او از اوزاعی، مالک بن انس و ابومعشر مدنی و دیگر علمای قرن دوم روایت می کند. مقایسه ای در نقل های بیهقی و کتاب المغازی واقدی نشان می دهد چه اندازه این نقل ها مطابق با مطالب آن کتاب است. بیهقی در مجموع ۸۸ روایت از او نقل کرده است. این روایات را از طریق ابوعبدالله اصفهانی از حسن بن جهم از حسین بن فرح آورده است. با وجود توجه خاصی که بیهقی به واقدی

دارد، در مواردی به ضعف نقل های او اشاره می کند.^{۲۵}

قرن سوم هجری را می توان نقطه آغاز نگارش کتاب های دلائل

دانست؛ اگرچه این کتاب ها علاوه بر جنبه کلاسی از ظرفیت تاریخی نیز برخوردار هستند، اما به نظر می رسد تا کنون با قراردادن این آثار در حیطه نگارش های کلاسی، در تاریخ نگاری اسلامی به جایگاهی درخور دست نیافته اند.

در بخش شمائل و دلائل، بیهقی از این منابع استفاده کرده است: ابوبکر عبدالله بن محمد، معروف به ابن ابی الدنیا (م ۲۸۱)، جعفر بن محمد بن حسن فریابی (م ۳۰۱)، ابومحمد بن حیان

اصفهانی (م ۳۶۹)، ابوبکر محمد بن علی شاشی (م ۳۶۵).

بیهقی در دلائل النبوه دوره تاریخی کوتاهی را بررسی می کند؛ بنابراین به تاریخ های عمومی نیاز نداشته است. به همین دلیل از تاریخ های عمومی یا تک نگاری ها استفاده چندانی نکرده است. البته برای شناخت راویان و پرداختن به جزئیات زندگی آنها به کتب رجال نیاز پیدا کرده است.

از دیگر کتب مورد استفاده او تواریخ صحابه است که بیهقی به دلیل

۲۱. همان، ج ۲، ص ۲۲۱ و ج ۵، ص ۱۴۶.

۲۲. برای مثال، رک: همان، ج ۳، ص ۸۴.

۲۳. همان، ج ۲، ص ۴۸۹، ج ۴، ص ۷۳ و ۴۰۰ و ج ۵، ص ۴۱۸.

۲۴. برای مثال رک: همان، ج ۶، ص ۴۴۸ و ۵۱۳.

۲۵. همان، ج ۲، ص ۵۳۵.

۱۸. همان، ج ۱، ص ۲۲۴، ۲۹۸، ۳۰۶، ۳۱۰ و ج ۷، ص ۱۴۴، ۱۶۴، ۱۸۸ و ۲۱۳.

۱۹. برای مثال رک: همان، ج ۳، ص ۱۰۱ - ۱۱۱ و ۳۹۸ - ۴۷۰ و ج ۴، ص ۱۱۹.

۲۰. برای مثال رک: همان، ج ۴، ص ۳۱۴.

منابع

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی؛ المنتظم فی تاریخ الامم والملوک؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
۲. ابن خلکان؛ وفيات الاعیان وانباء ابناء الزمان؛ بیروت: دارصادر، [بی تا].
۳. ابن کثیر، اسماعیل؛ البدایه والنهایه؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق.
۴. امین، سید محسن؛ اعیان الشیعه؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
۵. بغدادی، اسماعیل پاشا؛ هدیة العارفین؛ بیروت، [بی تا]، ۱۹۵۱ م.
۶. بیهقی، احمد بن حسین؛ دلائل النبوه؛ دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۷. جززی، ابن اثیر؛ اللباب فی تهذیب الانساب؛ بیروت: دارصادر، ۱۴۰۰ ق.
۸. جعفریان، رسول؛ تاریخ سیاسی اسلام؛ تهران: دلیل ما، ۱۳۸۵.
۹. حنبلی، عبدالحی بن عماد؛ شذرات الذهب فی اخبار من ذهب؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۰. پاکتچی، احمد؛ «ابوبکر بیهقی»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی؛ زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی؛ تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۳.
۱۱. ذهبی، شمس الدین محمد؛ تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر و الاعلام؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۴ ق.
۱۲. زرکلی، خیرالدین؛ الاعلام؛ بیروت: دارالعلم الملايين، ۱۹۸۹.
۱۳. سمعانی، عبدالکریم؛ الانساب؛ بیروت: دارالجنان، ۱۴۰۸ ق.
۱۴. صفدی؛ الوافی بالوفیات؛ بیروت: النشرت الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
۱۵. کحاله، عمر رضا؛ معجم المؤلفین؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۶. مدرس، محمدعلی؛ ریحانه الادب؛ تبریز: شفق، [بی تا].
۱۷. دایرة المعارف بزرگ اسلامی؛ زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی؛ تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۸. سنندی، عبدالرحمن بن علی؛ منابع بیهقی در کتاب دلائل النبوه؛ ترجمه رسول جعفریان در: <http://www.historylib.com>

ارتباط تنگاتنگ این تاریخ‌ها با زندگی و دوره پیامبر آنها را به کار برده است؛ مانند تاریخ‌های هشام بن محمد بن سائب کلبی (م ۲۰۴)، محمد بن سعد کاتب واقدی (م ۲۳۰)، یحیی بن معین (م ۲۳۳)، مصعب بن عبدالله زبیری (م ۲۳۶)، یعقوب بن سفیان نسوی (م ۲۷۷) و ابوبکر احمد بن زهر بن خيثمه (م ۲۷۹) که به مناسبت‌هایی از هر یک از این افراد تعدادی روایت نقل کرده است.^{۲۶}

سخن پایانی

قرن سوم هجری را می‌توان نقطه آغاز نگارش کتاب‌های دلائل دانست؛ کتاب‌هایی که با محوریت موضوعی دلائل و معجزات حضرت محمد (ص)، سعی در اثبات پیامبری ایشان از این طریق دارند. اگرچه این کتاب‌ها علاوه بر جنبه کلامی از ظرفیت تاریخی نیز برخوردار هستند، اما به نظر می‌رسد تا کنون با قراردادن این آثار در حیطه نگارش‌های کلامی، در تاریخ‌نگاری اسلامی به جایگاهی درخور دست نیافته‌اند. کتاب دلائل النبوه بیهقی در اصل تاریخ زندگی پیامبر اسلام است؛ تاریخی که با تکیه اساسی بر معجزات آن حضرت، رنگ و بوی خاص دلائل و معجزات به خود گرفته است. این اثر در قرن پنجم هجری به نگارش درآمده است و نویسنده آن با برخورداری از منابع حدیثی گرانقدر، اثری پررنگ در این زمینه به وجود آورده است. اگرچه در بعضی موارد از حقیقت فاصله گرفته و بعضی روایت‌های ضعیف را نیز پذیرفته است، دلائل النبوه بیهقی اثری ارزشمند در تاریخ اسلام است و منبعی مهم در تاریخ پیامبر به شمار می‌رود.

۲۶. عبدالرحمن بن علی سنندی؛ منابع بیهقی در کتاب دلائل النبوه؛ ترجمه رسول جعفریان، ۱۳۸۵.

<http://www.historylib.com>